

آلمان و جنگ اوکراین؛ چرا هابرماس نگران است؟

یورگن هابرماس، متفکر سرشناس آلمانی در مقاله‌ای که روز جمعه ۲۹ آوریل (۹ اردیبهشت) در روزنامه "زود دویچه سابتونگ" نوشت از رویکرد محتاطانه صدراعظم شولتس در مورد کمک نظامی به اوکراین دفاع کرد.

هابرماس در مقاله خود نسبت به بالاگرفتن بیشتر دامنه جنگ هشدار داده است. او نوشته است که با هر کشته، با هر جنایت جنگی که روسیه با تجاوز خود به اوکراین سبب می‌شود ناظر غربی به لرزه و انزجار می‌افتد و اراده و اصرار به اقدامی در مقابله با این اتفاقات هم فزونی می‌گیرد.

او با این حال از مدعیانی که تردیدی در باور و یقین خود ندارند و با استناد به اخلاق و مسائل وجدانی به مقابله با رویکرد محتاطانه و توأم با تأمل دولت رفته‌اند ابراز حیرت کرده است.

دولت آلمان در آخرین اقدام خود در ارسال سلاح‌های بیشتر به اوکراین تصمیم به تحویل شماری تانک مجهز به سیستم‌های ضد هوایی به این کشور گرفته است. مقاله هابرماس ظاهراً زنهاری است که این سیاست باید سنجیده ادامه یابد و سیاست عدم تبدیل غرب به یک پای رسمی جنگ را تحت‌الشعاع قرار ندهد.

به نوشته هابرماس غرب با تصمیم خود مبنی بر احتراز از تبدیل‌شدن به یک طرف جنگ در وضعیت مخاصمه‌آمیزی قرار گرفته است، چرا که "باید میان ریسک‌های ناشی از شکست احتمالی اوکراین از یک سو و گسترش دامنه جنگ از سوی دیگر سبک و سنگین کند، آن هم کورمال و کورمال و در وضعیتی از ابهام و نامتعیین بودن اوضاع؛ و نهایتاً این هم ولادیمیر پوتین است که تعیین و تعریف می‌کند که حمایت غرب از کدام نقطه به منزله ورود رسمی آن به جنگ است".

انتقاد از "صلح‌خواهان استحاله‌شده"

هابرماس در ادامه نوشته است که البته تصمیم به عدم ورود رسمی به جنگ از سوی غرب به معنای آن نیست که دست روی دست گذاشته و اوکراین را در برابر یک خصم قدرتر به حال خود رها کرده باشد.

هابرماس که خود شخصاً جنگ جهانی دوم را تجربه کرده است به نقد کسانی نشسته که از دور دستی بر آتش دارند و احياناً "حاضر نیستند خود در این جنگ اسلحه به دست بگیرند"، ولی شب و روز "مشغول دادن توصیه و رهنمود به دولت برای مداخله فعال‌تر در جنگ و تشدید دامنه آن هستند" و "در نمی‌یابند که برد و پیروزی در جنگ علیه قدرتی با ارتشی قابل توجه و مجهز به بمب اتمی در معنای متعارف قابل تحقق نیست".

فیلسوف آلمانی سپس در دفاع از سیاست تنش‌زدایی دولت‌های سابق آلمان در ارتباط با بلوک شرق و اتکای آن به دیالوگ و گفت‌وگو که مورد حمایت و تایید برخی از متحدان آلمان هم نبود می‌نویسد که آن سیاست دلایل و پشتوانه محکمی داشت.

به عقیده هابرماس، بحث داغی که حالا در آلمان و میان برلین و متحدان آن در صحنه بین‌المللی برای سوق دولت به مشارکت فعال‌تر در جنگ اوکراین درگرفته و برخی از چهره‌ها و نهادهای برخاسته از درون جنبش صلح آلمان هم به گونه‌ای استحاله‌آمیز و با پشت‌کردن به روح و ماهیت جنبش صلح‌طلبی به یک پای آن بدل شده‌اند شاید نشانه‌ای از یک چرخش تاریخی در ذهنیت و رویکرد جامعه آلمان دوران پس از جنگ باشد، رویکرد و ذهنیتی که "همیشه مورد و نفی راست بود و در عین حال دستاوردی بود که به دشواری حاصل شده بود".

هابرماس ابراز نگرانی می‌کند که این روند شاید به طور کلی پایانی بر آن سیاست آلمان باشد که بر مدالیت‌های ناشی از دیالوگ و حفظ صلح استوار بود.

هابرماس از چهره‌های شاخص مکتب جامعه‌شناسی معروف به مکتب فرانکفورت و اندیشه انتقادی است. او به نسل دوم شارحان این مکتب تعلق دارد که بر بنیان افکار و نظریات کسانی مانند تئودور آدرنو و ماکس هورکهایمر شکل گرفت. هابرماس حالا ۹۲ سال سن دارد و هنوز هم شاخص‌ترین چهره فلسفی آلمان به شمار می‌رود. <https://p.dw.com/p/4AcBo>